اختیارات حکومت در عرصه کرونا وریروس

آیا حکومت می تواند دستور قرنیطیه بدهد؟ و مردم را ملزم به در ماندن در خانه بکند. چنانچه دولت های اورپایی و غیر اروپایی ماندن درخانه را بر شهروندان خود الزامی کرده اند.

آیا نظام اسلامی چنین اجازه را دارد؟ آیا نظام و حکومت حق دارد به مردم بگوید مسافرت نروند؟ محدودیت تردد بین شهری در اوج شیوع کرونا ویروس در کشور انجام شد. و در برخی کشورها در حال انجام است. آیا ایجاد محدویت برای حکومت جایز است؟ و اگر جایز است تبعیت شهروندان از آن لازم است یا لازم نیست؟

پاسخ: یک قاعده فقهی داریم که عبارت از اصل بر حریت و آزادی است . هر کس بخواهد در خانه بماند یا بیرون از شهر خود و مسافرت برود، آزاد است. اما اطاعت امر خدا و پیامبر و امامان معصوم علیهم صلوات الله اجمعین لازم است. بر اساس مبنای ولایت فقیه اطاعت امر جانشین پیامر و امام علیه السلام لازم است. خداوند می فرماید: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ﴾ معنای آیه این است که اختیار ماندن در خانه خود را دارید می توانید در خانه بمانید یا نمانید. ولایت پیامبر بر شما از خودتان بیشتر است. یعنی پیامبر فرمودند باید خانه بمانید دیگر آزادی ماندن یا بیرون رفتن از خانه را نخواهید داشت. باید از پیامبر اطاعت کنید. همچنین درباره اختیار به مسافرت رفتن اگر پیامبر دستور بدهد مسافرت بروید دیگر اختیار مسافرت رفتن را نخواهید داشت. در مباحث ولایت فقیه اثبات کردیم اختیارات حکومتی پیامبر و امام معصوم در عصر غیبت طبق ادله به ولی فقیه داده شده است. این نظریه امام راحل و قبل از او نظریه ملا احمد نراقی است. امام راحل در کتاب البیع می فرماید: و بالجمله فکل ما للنبی و الائمة من جهة الولایة علی الناس فهو للفیقه من بعدهم. بنابراین پذیرش نظریه ولایت مطلقه فقیه، ولی فقیه حق دارد محدودیت بوجود بیاورد و دستور قرنطینه و ماندن در خانه را به مردم بدهد.

ان قلت: دستور قرنطینه توسط مسولان داده می شود.

قلت: ولی فقیه می فرماید دستورات ستاد مبارزه با کرونا ویروس را اطاعت کنید. رهبری نیز خود را ملزم به محدودیت های ستاد ملی شدند. در روز دخت کاری با رعایت دستورات بهداشتی ستاد مبارزه نهال کاشتند.

بنابراین حکومت اسلامی بر اساس مبنای ولایت فقیه حق دستور قرنطینه و ایجاد محدویت ها را دارد.

مقاله ای در یک روزنامه، مبانی فقهی فرینطیه را شمرده است مانند قاعده لا ضرر، قاعده حق الناس، قاعده حفظ نظام، و از پیامبر اکرم روایتی را نقل کرده که پیامبر فرموده اند: اگر بیماری مسری در شهر و محل سکونت شما است؛ از شهر خود خارج نشوید. در روایت دیگر می فرماید: اگر آن بیماری در شهر دیگری باشد به آن شهر وارد نشوید. این همان قرنطینه است. آدرس روایت را امالی المرتضی جلد 2 ص 201 نوشته اند. « و قد قال رسول الله صلی الله علیه وآله: اذا کان بالبد الذی انتم فیه فلا تخرجوا منه و قال علیه الصلاة و السلام ایضاً اذا کان ببلد فلا تدخلوه» و یرید بقوله علیه الصلاة و السلام لا تخرجوا من البلد اذا کان فیه کأنکم تظنون ان الفرار من قدر الله تعالی ینجیکم و یرید بقوله علیه الصلاة و السلام اذا کان ببلد فلا تدخلوه ان مقامکم بالموضع الذی لا طاعون فیه أسکن لانفسکم و اطیب لعیشکم» . و در چاپ دیگر جلد منشورات مکتیة آیت الله العظمی مرعشی نجفی جلد 4 ص 112

ولی مرحوم مجلسی در بحار الانوار باب الطاعون و الفرار منه چند روایت نقل کرده با این مضمون می توان از شهر طاعون زده فرار کرد یا نه؟ امام علیه السلام در جواب می فرماید می توانید فرار کنید.

علل الشرائع ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدَآبَادِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْقَوْمُ يَكُونُونَ فِي الْبَلَدِ يَقَعُ فِيهَا الْمَوْتُ أَ لَهُمْ أَنْ يَتَحَوَّلُوا عَنْهَا إِلَى غَيْرِهَا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ بَلَغَنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص عَابَ قَوْماً بِذَلِكَ فَقَالَ أُولَئِكَ كَانُوا رَتَبَةً بِإِزَاءِ الْعَدُوِّ فَأَمَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يَثْبُتُوا فِي مَوْضِعِهِمْ وَ لَا يَتَحَوَّلُوا مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَلَمَّا وَقَعَ فِيهِمُ الْمَوْتُ تَحَوَّلُوا مِنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ إِلَى غَيْرِهِ فَكَانَ تَحْوِيلُهُمْ مِنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ إِلَى غَيْرِهِ كَالْفِرَارِ مِنَ الزَّحْفِ.

علی بن المغیره بعد از اینکه جواز فرار[[1]](#footnote-1) از بلد طاعون زده را از امام علیه السلام شنید گفت: پیامبر اکرم عیب گرفته بر کسانی که از وبا فرار کرده اند. امام علیه السلام اینکه پیامبر بر آنها عیب گرفتند چون دیوار به دیوار دشمن بوده اند لذا پیامبر به آنها دستور داد در جای خود بمانند، به جای دیگر فرار نکنند. پیامبر می دانست که بیماری مسری در آنجا است. بنابراین جابجایی آنها مانند فرار از جنگ است. به عبارت دیگر همچنانکه پیامبر می فرماید از جنگ فرار نکنید در اینجا نیز دستور دادند فرار نکنند. ملامت پیامبر برای اینکه فرار کردند و دستور پیامبر را اطاعت نکردند.

روایت دیگر از معانی الاخبار است

معاني الأخبار ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ قَالَ: سَأَلَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الطَّاعُونِ يَقَعُ فِي بَلْدَةٍ وَ أَنَا فِيهَا أَتَحَوَّلُ عَنْهَا قَالَ نَعَمْ قَالَ فَفِي الْقَرْيَةِ وَ أَنَا فِيهَا أَتَحَوَّلُ عَنْهَا قَالَ نَعَمْ قَالَ فَفِي الدَّارِ وَ أَنَا فِيهَا أَتَحَوَّلُ عَنْهَا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَإِنَّا نَتَحَدَّثُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ‏ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ الْفِرَارُ مِنَ الطَّاعُونِ كَالْفِرَارِ مِنَ الزَّحْفِ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص إِنَّمَا قَالَ هَذَا فِي قَوْمٍ كَانُوا يَكُونُونَ فِي الثُّغُورِ فِي نَحْوِ الْعَدُوِّ فَيَقَعُ الطَّاعُونُ فَيُخَلُّونَ أَمَاكِنَهُمْ وَ يَفِرُّونَ مِنْهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَلِكَ فِيهِمْ.[[2]](#footnote-2)

از امام رضا علیه السلام سوال می کنند. طاعون در شهر باشد می تواند از آن شهر طاعون زده فرار کند؟ امام علیه السلام جواب داند بله می توان فرار کرد. راوی فرار از روستا و خانه ای که طاعون زده را سوال می کند و امام علیه السلام جواب می دهند می توان فرار کرد. راوی گوید کلام پیامبر را برای یکدیگر نقل می کردیم که ایشان فرموده اند« الفرار من الطاعون کالفرار من الزحف».

قضیه بر دو قسم است قضیه حقیقیه و قضیه خارجیه. سخن پیامبر قضیه خارجیه است یعنی پیامبر برای آنها مصلحت دیده اند که به جای دیگر نروند و چه بسا به جایی که می خواند برود طاعون بگیرند. بنابراین فرار از طاعون مانند فرار از زحف است اختصاص به آنها است. آری می توان از این دو روایت الغاء خصوصیت کرد یعنی اگر شهر دیگری بیماری مسری داشته باشد به آن شهر نروید. و نیز خصوصیت دشمن را می توان الغاء کرد و بگوییم اگر دو شهر نزدیک یکدیگر باشند یکی گرفتار بیماری مسری شد با همان ملاک اهلی این شهر به شهر دیگر نروند و موجب انتقال بیماری مسری نشوند. در نتیجه می توان فی الجمله قرنطینه را از این روایات می توان استفاده کرد. به عبارت دیگر اگر این روایات نبود- گرچه روایت منقول از امالی سید مرتضی مرسل است؛ و روایت معانی الاخبار و علل الشرایع سند خوبی دارند- قرنیطنه مبنای فقهی داشت و جای بحث ندارد.

1. [بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج6، ص121.](http://lib.eshia.ir/71860/6/121/بلغنا) [↑](#footnote-ref-1)
2. [بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج6، ص121.](http://lib.eshia.ir/71860/6/121/نتحدث) [↑](#footnote-ref-2)